

مطالعه کیفی عوامل مؤثر بر تخریب باغ‌ها در شهر تهران با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد^۱

سعید رفیع پور - دانشجوی دکتری شهرسازی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
هاشم داداش پور^۲ - دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
علی اکبر تقوایی - دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۳

چکیده

این نوشتار که از نظر هستی‌شناسی بر موضوع پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی تکیه دارد، درصدد تبیین فرایند و عناصر تشکیل دهنده تخریب باغ‌ها در شهر تهران با استفاده از رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد است. بررسی‌ها نشان می‌دهد طی سه دهه گذشته، علی‌رغم وجود قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها که بر حسب وظایف و اختیارات از طرف هریک از قوای سه‌گانه (مقننه، مجریه و قضائیه) و مدیریت شهری به عنوان مجری این قانون تضمین شده، نتوانسته است مانع تخریب باغ‌ها در داخل شهر تهران شود. این در حالی است که در متون شهرهای پایدار فرض بر این است که با تغییر در حکمروایی زیست‌محیطی از طریق سازوکارهای نهادی، سیاستی و قانونی، می‌توان رفتار دوستدارانه مردم با طبیعت را تضمین کرد. بدین ترتیب برای دستیابی به علل تخریب باغ‌ها در شهر تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند تا زمانی که اشباع نظری حاصل گردد با ۳۸ نفر از مطلعین کلیدی مصاحبه عمیق انجام شد. داده‌های گردآوری شده در قالب ۳۷ مقوله فرعی، ۱۰ مقوله اصلی و نهایتاً مقوله هسته، کدگذاری و تحلیل شده‌اند. نتایج به دست آمده بیانگر این است که به دلیل نابسامانی در قانون به ویژه عدم سنخیت و تناسب مجازات با جرم، منافع حاصل از تخریب باغ بیش از هزینه‌های آن برای فرد متخلف است. بنابراین، این عامل باعث نگرش مثبت فرد به کسب سود و رفاه - قصد رفتاری از تخریب باغ‌ها - می‌شود. بحران اخلاق زیست‌محیطی، عامل اصلی نگرش مثبت فرد به کسب سود و رفاه از تخریب باغ‌ها با نقض قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرهاست. رفتار اخلاقی با محیط زیست، امری اقتناعی است که مقید به زمان و مکان نبوده و بر اثر کرامت نفس حاصل می‌شود، اما تحصیل آن با قانون و قواعد حقوقی به دلیل محدودیت عرصه آن نسبت به اخلاق، ممکن و مطلوب نخواهد بود.

واژگان کلیدی: تخریب باغ‌های تهران، قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها، اخلاق زیست‌محیطی، نظریه داده بنیاد.

۳

شماره بیست و سوم

تابستان ۱۳۹۶

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهر

مطالعه کیفی عوامل مؤثر بر تخریب باغ‌ها در شهر تهران
با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته شهرسازی با عنوان "تبیین آینده‌های بدیل شهر پایدار با تأکید بر اخلاق زیست‌محیطی، مطالعه موردی: کلانشهر تهران" است که با حمایت و پشتیبانی «پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها»، در دانشگاه تربیت مدرس در حال انجام است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: h-dadashpoor@modares.ac.ir

۱. مقدمه

در متون نظری شهرهای پایدار، دستیابی به شهر سبز مستلزم این است که مدیریت شهری با تدارک زیرساخت‌های فیزیکی، فناوری، نهادی و حقوقی با عنوان حکمروایی زیست‌محیطی، رفتار مسئولانه با طبیعت را سازماندهی کند، تا بدین‌وسیله بتوان شهروندان را به سوی رفتار اخلاقی با طبیعت بر مبنای سیاست‌های توسعه شهری پایدار هدایت کرد. بنابراین رفتار اخلاقی با طبیعت مترادف با اطاعت از قوانین و هنجارهایی که ناظر بر نحوه توزیع و تملک منابع طبیعی هستند، تعریف می‌شود؛ در این حالت، مردم افرادی قانون‌گرا و به تبع آن اخلاقی محسوب می‌شوند. با این وصف، اخلاق هم مرز حقوق و قانون برای خاتمه دادن به مسائل و مشکلات زیست‌محیطی ناشی از سلطه بشر بر طبیعت و به تبع آن افزایش کیفیت زیست‌محیطی زندگی مردم از طریق حداکثرسازی گزینه‌های انتخاب مردم می‌گردد. بدین ترتیب در شهر سبز که با تکیه بر قانون، ضمانت اجرای رفتار دوستدارانه با طبیعت، از طرف دولت / مدیریت شهری تضمین می‌شود، انتظار می‌رود هراس از مجازات و پیامدهای ناگوار تخلف و قانون‌شکنی باعث شود که شهروند رفتار خود را با هنجارهایی که ناظر بر نحوه توزیع و تملک منابع و خدمات اکوسیستم و ذخایر ژئو کره زمین است، وفق دهد.

اما با فرض این که خط‌مشی حکمروایی زیست‌محیطی با سوگیری سیاستی و قانونی بهترین راه‌حل برای دستیابی به جهانی پایدار است، پس چرا وجود «قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها» که هم بر حسب وظایف و اختیارات از طرف هر یک از قوای سه‌گانه (مقننه، مجریه و قضائیه) و هم از طرف شهرداری به عنوان مجری تضمین باید شود، نتوانسته است در راستای تحقق اهداف بیانیه چشم‌انداز شهر تهران، از باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی داخل آن که جزو سرمایه‌های طبیعی کم‌نظیر آن محسوب می‌شوند، محافظت نماید؟

بررسی‌ها در شهر تهران در طول سه دهه گذشته نشان می‌دهد که با وجود تأکید قانون بر حفظ و گسترش فضای سبز در داخل شهرها، اراضی کشاورزی و باغ‌های داخل شهر تهران، به انحای مختلف تخریب شده و تغییر کاربری داده‌اند. "مطالعه مکانی اراضی سبز موجود در شهر تهران در طول سه دهه گذشته نشان می‌دهد که اراضی سبز موجود در شهر تهران به تدریج انسجام اولیه خود را نیز از دست داده و پراکنده‌تر و کوچک‌تر شده‌اند تا جایی که از بسیاری باغ محله‌های معروف، جز چند لکه پراکنده، باقی نمانده است" (Baft Shahr Consulting Engineers, 2010: 2). این در حالی است که وجود قوانین بازدارنده‌ای همچون «قانون حفظ و گسترش

۱ قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ شورای انقلاب که در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ چهاردهم اسفند ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و مواد (۱) و (۴) آن که مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته بود در تاریخ ۲۰/۰۴/۱۳۸۸ با اصلاحاتی از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد، طی نامه شماره ۲۵۴/۲۲۹۰۳ مورخ ۱۳/۰۵/۱۳۸۸ مجلس شورای اسلامی برای اجرا، به دولت ابلاغ گردید.

فضای سبز در شهرها، نیز نتوانسته است مانع از رفتار غیراخلاقی تخریب باغ‌ها در شهر تهران شود. بدین ترتیب، هدف این پژوهش در ادامه واکاوی و درک فرایند و عناصر تشکیل‌دهنده تخریب باغ‌ها در شهر تهران با استفاده از رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد است.

در این راستا، پرسش‌های پژوهش به شرح زیر است:

۱- فرایند و عناصر تشکیل‌دهنده تخریب باغ‌ها در شهر تهران در ارتباط با قوانین بازدارنده همچون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها چیست؟

۲- چرا قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها و حتی قوانینی که مالکیت افراد را سلب می‌کند، نتوانسته مانع از تخریب باغ‌ها در شهر تهران شود؟

۳- چرا دولت و مدیریت شهری نتوانسته است قواعد حقوقی رفتار با باغ‌ها در شهر تهران را تضمین کند؟

۲. چارچوب نظری

هزاره سوم، دوره‌ای از سکونت بشر بر روی زمین است که برای نخستین بار در تاریخ، اکثریت جمعیت جهان شهرنشین هستند و آنچه قطعی است، شهرها در آینده به دلیل ایجاد تنش‌های زیست‌محیطی با چالش‌های متعددی مواجه خواهند بود. مهمترین علت این است که سیاست‌های شهری معاصر بدون دگرگونی بنیادی در ارزش‌های کنونی تعیین‌کننده تعامل انسان با طبیعت، نمی‌توانند ناپایداری در محیط‌زیست را که ناشی از متغیرهای جمعیت و الگوی مصرف است به وضع پایدار رهنمون سازند. این امر بر این نکته اشاره دارد که نوع رفتار بشر با محیط‌زیست تا حد زیادی به چگونگی ادراک رابطه انسان با طبیعت وابسته است. این که انسان چگونه برای محیط‌زیست ارزش قائل است، تعیین‌کننده این خواهد بود که نقش و عملکرد خود را بر روی زمین چگونه می‌بیند.

مالونی^۲، روان‌شناس آمریکایی، به نظر می‌رسد نخستین فردی است که در سال ۱۹۷۵، عوامل مؤثر بر رفتار با طبیعت را مورد بررسی قرار داده است. وی «رفتار زیست‌محیطی^۳» را متأثر از «نگرش زیست‌محیطی^۴» و «دانش زیست‌محیطی^۵» می‌داند که در مجموع زیربخش‌های «آگاهی زیست‌محیطی^۶» را تشکیل می‌دهند (Haan and Kuckartz, 1996: 39-40). (نمودار ۱)

به دنبال آن به طور کلی، در بیشتر تحقیق‌هایی که به عوامل مؤثر بر رفتار با محیط‌زیست پرداخته‌اند، نکات زیر قابل جمع‌بندی است:

۱- دانش یا آگاهی زیست‌محیطی، رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار با نگرش و رفتار زیست‌محیطی دارد (Veisi and Zarandian, 2012; Henning and Karlsson; Matthews, 2004; Salehi et al., 2011; Kaiser and et al, 1999; Kollmuss and Agyeman, 2002, 2011) و فرد برای تغییر نگرش و رفتار، به سطحی از دانش که به انتخاب

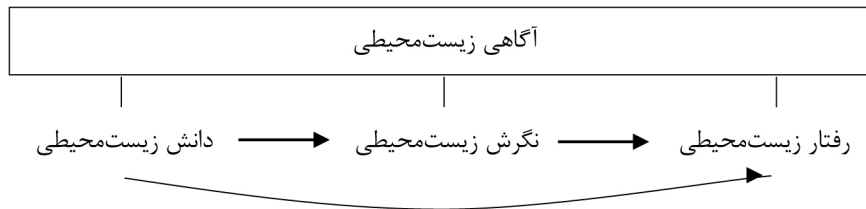
2 Maloney

3 Environmental Behavior

4 Environmental Attitude

5 Environmental Knowledge

6 Environmental Awareness



نمودار شماره ۱: رابطه علی بین ابعاد سه گانه آگاهی زیست محیطی - (Schmitt, 2003: 5-6)

شده و در نتیجه تعهد فرد به رفتار مسئولانه با محیط زیست، چه در سایت تفریحی و چه جاهای دیگر به طور کلی افزایش می یابد (Hung Lee and Hauh Jan, 2015: 1). به عنوان یک نمونه دیگر، مطالعه کلانتری و اسدی نشان می دهد برای ساکنان شهر تهران، محیط زیست در مقایسه با مسائل اجتماعی و اقتصادی مشکل مهمی تلقی نمی شود (Kalantari and Asadi, 2010: 309). به نظر می رسد که افراد پیامدهای فردی را از پیامدهای زیست محیطی مهم تر می دانند (Salehi Omran and Agha Mohammadi, 2008: 113).

۳- علاوه بر پیش شرط های ذهنی (آموزش، باور، نگرش، هنجارها و مانند اینها)، وجود پیش شرط های عینی برای بروز رفتار دوستدارانه با محیط زیست (فرصت ها) ضروری هستند. فرصت ها، «پیش شرط های عینی برای رفتار» هستند (Ölander and Thøgersen, 1995: 360-365). به طور کلی، عوامل تأثیرگذار بر رفتار دوستدارانه با محیط زیست شامل دو دسته عوامل داخلی (خصلت های فردی، ارزش ها، نگرش ها، دانش و ...) و عوامل خارجی (تأسیسات زیربنایی، عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، موقعیت اقتصادی و ...) است (Kollmuss and Agyeman, 2002: 239).

۴- در بیشتر مطالعات انجام شده، نگرش هایی که نوع رفتار با محیط زیست را تبیین می کنند کم و بیش با محوریت نگرش زیست بوم محور، همچون خودمحورانه، دیگر محورانه و زیست سپهرانه (Hung Lee and Hauh Jan, 2015: 1)؛ انسان مداری، محیط مداری و بی اعتنائی (Ferdowsi et al, 2007: 253)؛ پارادایم جدید بوم شناختی - زیست بوم محور (Erdogan, 2009: 1023)؛ زیست محور، نوع دوستانه و خودمحور (Clark and et al, 2003: 237)؛ و مانند اینها دسته بندی شده اند و به طور کلی در بیشتر این تحقیق ها، نگرشی که رفتار دوستدارانه با محیط زیست را تبیین می کند، نگرش زیست بوم محور مفروض گرفته شده است. با وجود این، محدود کردن هنجارهای اخلاقی تعامل انسان با طبیعت به سه دسته کلی انسان محور، زیست محور و زیست بوم محور، جای تردید دارد، زیرا جهان بینی های دیگری پیرامون رابطه انسان با طبیعت وجود دارند. برای مثال، می توان به جهان بینی های دینی مترتب بر سنت ادیان اشاره کرد که مبانی ارزشی دیگری ارائه می کنند (Shahvali and Abedi Sarvestani, 2012: 1).

راه حل های رفتاری گوناگون به او کمک کند، نیاز دارد. بنابراین از جمله متغیرهای مهم برای بروز رفتار دوستدارانه با طبیعت، آموزش درباره مسائل زیست محیطی است (Mahboobi and Ramezani, 2011; Salehi Omran and Agha Mohammadi, 2008; Esmaeli, 2011; Matthews, 2004; Boiyo and et al, 2015; and Mirdamadi, 2011). و هر چه نگرش زیست محیطی شهروندان مثبت باشد، رفتار آنها هم مطلوب تر خواهد بود (Shahnooshi and Abdollahi, 2007: 33). به عنوان نمونه فردوسی و دیگران در مطالعه ای دریافتند که بین نگرش انسان مدارانه و بی اعتنائی، رابطه مثبت و بین نگرش محیط مدارانه با رفتارهای محافظت از محیط زیست رابطه مثبت و بی اعتنائی، رابطه منفی وجود دارد (Ferdowsi et al, 2007: 263). همچنین لوپزو همکارانش به این نتیجه دست یافتند که بین رفتار مسئولانه زیست محیطی با نگرش ها و باورهای زیست محیطی و اطلاعات زیست محیطی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد (López-Mosquera and et al, 2015: 29).

۲- نگرش به تنهایی رفتار دوستدارانه با محیط زیست را تبیین نمی کند و عوامل منفی متعددی همچون هنجارها و نگرش های اجتماعی، عادات و رسوم، تجربه و عوامل انگیزشی (Thøgersen, 1995: 360-365)؛ دخالت هیجانی، مانند خلق و خو (Kollmuss and Agyeman, 2002: 256-257)؛ آمادگی به اقدام و قوانین زیست محیطی (Kalantari and Asadi, 2010: 309)؛ فقدان آگاهی از هنجارهای اخلاقی (Henning and Karlsson, 2011: 46)؛ پارادایم غالب اجتماعی (Erdogan, 2009: 1023)؛ سن (Salehi et al., 2011: 55)؛ متغیرهای موقعیتی (Ferdowsi et al, 2007: 261)؛ سرمایه فرهنگی و اقتصادی (Salehi and Karimzadeh, 2014: 74)؛ میزان حساسیت زیست محیطی (Banifatemeh et al., 2014: 173)؛ فعال گرایی، سطح اطلاعات، علاقه به اخبار زیست محیطی (López-Mosquera and et al, 2015: 29)؛ احساس مسئولیت (Henning and Karlsson, 2011: 46)؛ و ... به طور همزمان رفتار و نگرش را تحت تأثیر قرار می دهد. به عنوان مثال زمانی که یک فرد در گردشگری طبیعت محور شرکت می کند تجارب تفریحی، نگرش های زیست محیطی و ارزش های زیست محورانه او تقویت

- 1 Social Norms and Attitudes
- 2 Emotional Involvement
- 3 Preparedness to Act
- 4 Moral Norms
- 5 Dominant Social Paradigm
- 6 Activism
- 7 Responsibility feelings
- 8 Nature-Based Tourism

- 9 Objective Preconditions for the Behaviour
- 10 Motivation, Pro-Environmental Knowledge, Awareness, Values, Attitudes, Emotion, Locus of Control
- 11 Egoistic, Altruistic and Biospheric value orientation
- 12 New Ecological Paradigm / Ecocentric
- 13 Biocentric, Altruistic, Egoistic

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق به عنوان نظام انجام تحقیق بر چگونگی و نحوه انجام کار دلالت دارد. این مقاله که از نظر هستی‌شناسی بر موضع هستی‌شناسی پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی تکیه دارد و از رویکرد نظریه داده بنیاد که یکی از رویکردهای روش تحقیق کیفی محسوب می‌شود، برای گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها بهره می‌برد.

رویکرد نظریه داده بنیاد بر پایه روش‌های کیفی بوده و از مجموعه منظمی از رویه‌ها و فرایندهای متعدد در گردآوری داده‌ها و تحلیل‌ها به منظور توسعه نظریه مبتنی بر استفهام، استفاده می‌نماید. هدف نظریه داده بنیاد ساختن نظریه‌ای است که بتواند در خصوص پدیده مورد نظر از طریق گردآوری سیستماتیک اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها روشنگری نماید (Rabbani, Khorasghani and Abbaszadeh, 2010: 169-170).

با توجه به انتخاب نظریه داده‌ها به عنوان روش تحلیل داده‌ها، نمونه‌گیری از نوع نظری و هدفمند است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق، مبتنی بر مصاحبه عمیق با ۳۸ نفر از مطلعین کلیدی بوده است تا اشباع نظری حاصل گردد. برای رسیدن به قابلیت اعتماد نیز از چند متخصص خواسته شد که داده‌های تحقیق را از نظر رویه و همچنین محتوا، بررسی و نکات تکمیلی و اصلاحی را بیان نمایند.

۴. یافته‌های تحقیق

در این بخش داده‌های حاصل از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان این پژوهش که ۳۸ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، نخبگان، مهندسين مشاور، مالکان باغ‌ها، مشاوران املاک و رده‌های مختلف از مدیریت شهری تهران را شامل می‌شدند، در چارچوب روش نظریه داده بنیاد با انجام مقایسه‌های مکرر در جریان فرایند کدگذاری باز، مفاهیم و مقوله‌ها استخراج شده و سپس مقوله‌های فرعی هر مقوله عمده با ارجاع به داده‌های حاصل از مصاحبه در چارچوب مدل پارادایمی - شرایط / تعامل / پیامد - تشریح شده و در نهایت با انتخاب مقوله هسته در بخش نتیجه‌گیری، نظریه زمینه‌ای تفسیر و تبیین می‌گردد (جدول ۱).

۴.۱. شرایط علی تخریب باغ‌ها در شهر تهران

شرایط علی^۱، مقوله‌هایی است مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند (Danaeifard and Emami, 2007: 84). مقوله اصلی نگرش ابزاری و سودجویانه به باغ‌ها به عنوان شرایط علی تخریب باغ‌ها در شهر تهران، متشکل از سه مقوله فرعی باغ به مثابه کالا، اعیان‌نشینی و تجمل‌گرایی و نگرش ابزاری به طبیعت است.

۱- باغ به مثابه کالا: "در بازار زمین، املاک باغی به عنوان یک کالای سرمایه‌ای حرف نخست را می‌زند (A1-1). موجودیت اخلاقی خود ماست که شهر تهران را به سیاهچاله‌ای تبدیل کرده که طبیعت را

جدول شماره ۱: مقوله‌های فرعی و اصلی

کد	مقوله اصلی / عمده نهایی	مقوله‌های فرعی
A	نگرش ابزاری و سودجویانه به باغ‌ها	اعیان‌نشینی و تجمل‌گرایی، باغ به مثابه کالا، نگرش ابزاری به طبیعت
B	سوء مدیریت و برتری دادن اداره شهر بر حجیت قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری	فساد اداری، سوء مدیریت و خطا در تصمیم‌گیری، عدم برخورداری از منابع مستمر درآمدی، منسجم نبودن اقدام‌ها در حفاظت از باغ‌ها، فروش قانون و ضوابط و مقررات توسط شهرداری
C	اقتصاد شهری سوداگرانه	تجهیز نبودن فضای اقتصادی شهر، سوداگری و بورس بازی زمین و مسکن، قرار گرفتن باغ‌ها در مدار گردش بازار سوداگرانه زمین و مسکن
D	ضعف نظارت و نبود حساسیت بر اجرای قانون	ناکارآمدی کمیسیون ماده ۷ به عنوان ناظر بر اجرای قانون، فقدان نظارت و کنترل اجتماعی، ضعف نظارت در فرهنگ سازمانی، ضعف دستگاه‌های نظارتی، مشکل نظارت بر عملکرد شهرداری‌ها، عدم نظارت بر اجرای قانون
E	بحران اخلاق زیست محیطی در جامعه	ناآگاهی زیست محیطی، بحران نگرش انسان نسبت به محیط زیست، فقر فرهنگ زیست محیطی، رواج نقض قوانین زیست محیطی در فرهنگ عمومی جامعه، از بین رفتن حرمت قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری و بی اعتبار شدن آن در جامعه، جری شدن تخریب‌کنندگان باغ‌ها
F	از بین رفتن قبح نقض قوانین زیست محیطی در جامعه	تعارض قوانین، عدم سنخیت و تناسب مجازات با جرم، ترمیم نشدن قانون با توجه به شرایط و الزامات زمانی، کاغذی بودن قانون، انتخاب ذی‌نفع در عدم اجرای قانون به عنوان مجری، مجازات‌گرا و تحمیلی بودن قانون، باز بودن منقذهای فرار از قانون
G	نابسامانی و بی اعتباری قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری	محرز نشدن سابقه باغ برای قوه قضائیه با نبود شناسنامه باغ‌ها، عدم وجود دادگاه‌ها و دادسراهای تخصصی زیست محیطی، تساهل و تسامح، عدم برخورد قاطع قضایی با متخلفان
H	عدم قاطعیت نهادهای قضایی - تنبیهی	اهمال در اجرای قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری، گریز از قانون با توسل به حیل قانونی، قدرت و نفوذ
I	گریز از قانون با اهمال و توسل به حیل، قدرت و نفوذ	
J	تخریب باغ‌ها	تخریب عاملانه و عامدانه باغ‌ها

می‌بلعد. زیرا ما دیگر شاهد این نیستیم که همه طبیعت از خداوند سخن می‌گوید. ما اکنون برگ درختان سبز باغ‌ها را به عنوان معرفت کردگار نمی‌بینیم. ما اکنون یک انسان حریص و طماع شده‌ایم و باغ را در قطع اسکناس‌های رنگی می‌بینیم (5- A1).

۲- اعیان‌نشینی و تجمل‌گرایی: در حال حاضر زندگی در آپارتمان‌ها و برج‌های گران قیمت در مناطق خوش آب و هوای تهران نماد اعیان‌نشینی شده. این تفکر باعث تخریب باغ‌ها شده. چون بیشتر باغ‌های تهران در مناطق خوش آب و هوای شمال شهر واقع شده‌اند و در آنها هر روزه ساختمان‌های گران‌قیمتی با امکاناتی چون سونا، استخر، جکوزی و اینها، قارچ گونه از خاک سر بر می‌آورند (6- A2) (10- A2).

۳- نگرش ابزارگری به طبیعت: خردباوری ابزاری، اقتصادی و محاسبه‌گرانه بر نفس ما حاکم شده است. برای انسان قبلاً طبیعت ارزشمند بود، جای پای خدا بود، حرمت داشت، اما الان اگر از آن بشود پول به دست آورد ارزشمند است (14- A3). (نمودار ۲)

۴.۲. شرایط زمینه‌ای تخریب باغ‌ها در شهر تهران

شرایط زمینه‌ای^۱، شرایط خاصی هستند که بر راهبردها [کنش‌ها/ تعامل‌ها] تأثیر می‌گذارند (84: Danaeifard and Emami, 2007). مقوله‌های اصلی سوء مدیریت و برتری دادن اداره شهر بر حجیت قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری و اقتصاد شهری سوداگرانه، دو شرایط بسترساز خاص مؤثر در کنش نقض قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری هستند که زمینه را برای تخریب باغ‌ها فراهم می‌آورند.

الف- سوء مدیریت و برتری دادن اداره شهر بر حجیت قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری به عنوان مقوله اصلی در برگزیده پنج مقوله فرعی زیر است:

۱- فساد اداری: وظیفه دارد نگذارد غیرمجاز ساخته شود، چشمش را می‌بندد. چرا؟ چون هماهنگ شده. بی مسئولیت است. این نوع بی مسئولیتی، به نظر من بزرگترین فساد در نظام اداری می‌تواند باشد. در حال حاضر ما در شهرداری‌ها این را می‌بینیم (2- B1) (7- B1).

۲- خطا در تصمیم‌گیری و برتری دادن اداره شهر بر حجیت قانون: مدیران و مسئولان شهر درک درستی از قانون خوب ندارند و فکر

می‌کنند که قانون زمانی یک قانون خوب است که اجرا کردن آن آسان باشد؛ هم برای ذی‌نفعان و هم مجریان. بر این باورند که فضای سبز هزینه‌بر است. غافل از روح قانون هستند. ما کارهای مهم‌تر دیگری داریم (البته همین طور شفاف نمی‌گویند) باید خدمت کنیم و برای این خدمت هر طوری شده باید پول در بیاوریم؛ حتی اگر مجبور به تغییر کاربری باغ‌ها شویم (8- B2) (9- B2).

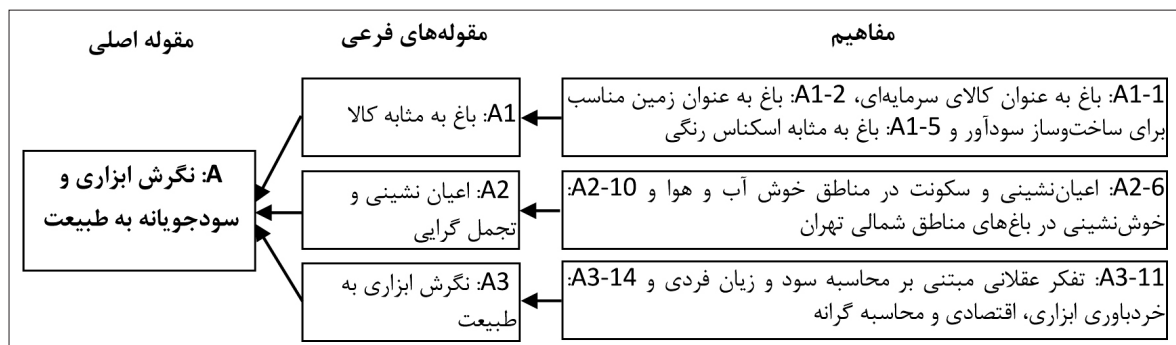
۳- عدم برخورداری از منابع مستمر درآمدی: ۶۰ درصد درآمد شهرداری از محل تغییر کاربری و ساخت‌وساز است که این بزرگترین تهدید برای باغات و درختان شهر محسوب می‌شود (13- B3).

۴- منسجم نبودن اقدام‌ها در حفاظت از باغ‌ها: شهرداری مجری قانون است، اما قوانین مختلف و سازمان‌های پشتیبانش هم مختلف‌اند؛ همکاری و هماهنگی بین اینها ناممکن (23- B4). ما در مواقع بحرانی به فکر محیط‌زیست هستیم. در حال حاضر بیشتر کسانی که پرچم‌دار حفاظت از باغ‌ها شده‌اند، از این که با تخریب باغ‌ها برای ساخت‌وساز حق نفس کشیدن مردم به فروش می‌رود، سخن می‌گویند. یعنی اگر آلودگی هوای تهران زیاد نمی‌شد ما به فکر باغ‌ها نبودیم؟ (22- B4).

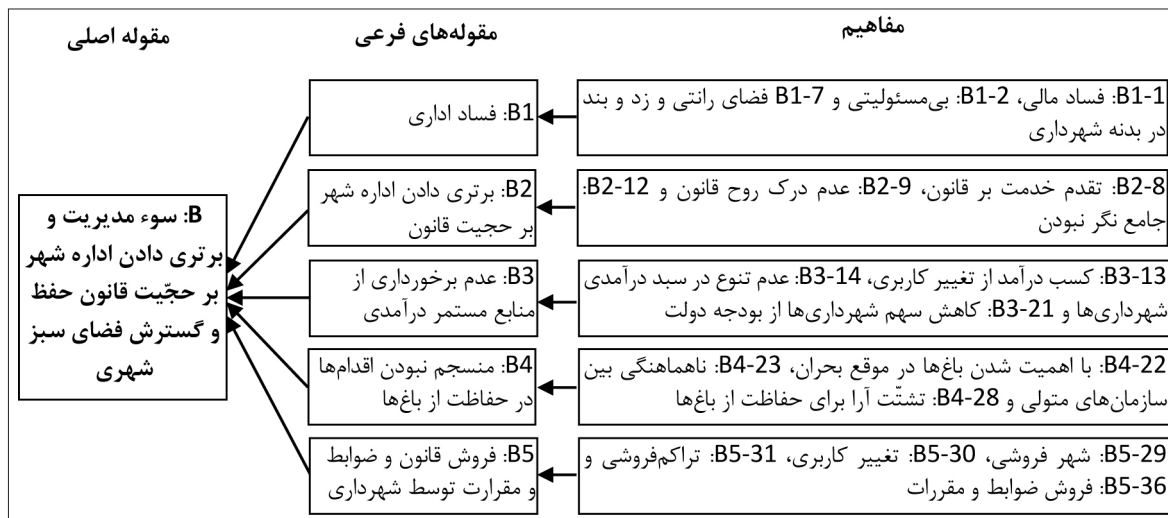
۵- فروش قانون و ضوابط و مقررات توسط شهرداری: از آن روزی که طرح را به شهرداری ابلاغ کرده‌اند، شروع کرده به خلاف کردن تا حالا. تغییر کاربری داده و تراکم فروخته. از این طرف شهرداری نمی‌تواند تراکم بفروشد، بعد می‌آید تغییر کاربری می‌دهد؛ از مسکونی به اداری، از اداری به تجاری و ... (29- B5) (30- B5) (31- B3). (نمودار ۳)

ب- مقوله اصلی اقتصاد شهری سوداگرانه به عنوان دومین عامل زمینه‌ای تخریب باغ‌ها در شهر تهران، در برگزیده مقوله‌های فرعی زیر است:

۱- تجهیز نبودن فضای اقتصادی شهر: رشد اقتصادی که در خلأ فضایی ممکن نیست، بلکه نیازمند تولید و بازتولید فضا است. فضای شهر برای توسعه کسب و کار باید توسط مدیریت شهری ساماندهی و آماده‌سازی شود. البته دولت هم باید کمک کند. مدیریت شهری به تنهایی نمی‌تواند این بار را به دوش بکشد. ما چون نتوانسته‌ایم نقدینگی دست مردم را به جریان درستی هدایت کنیم، بازار زمین و مسکن که سود سرشاری در آن نهفته، این کار را کرده است (1- C1) (7- C1).



نمودار شماره ۲: شرایط علی تخریب باغ‌ها در شهر تهران



نمودار شماره ۳: سوء مدیریت و برتری دادن اداره شهر بر حجیت قانون به عنوان یکی از شرایط زمینه‌ای تخریب باغ‌ها در شهر تهران

زیست محیطی در جامعه، نابسامانی در قانون و عدم قاطعیت نهادهای قضایی - تنبیهی به عنوان شرایط بسترساز عام مؤثر در کنش نقض قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری هستند. الف- مقوله اصلی ضعف نظارت و نبود حساسیت بر اجرای قانون شامل مقوله‌های فرعی زیر است:

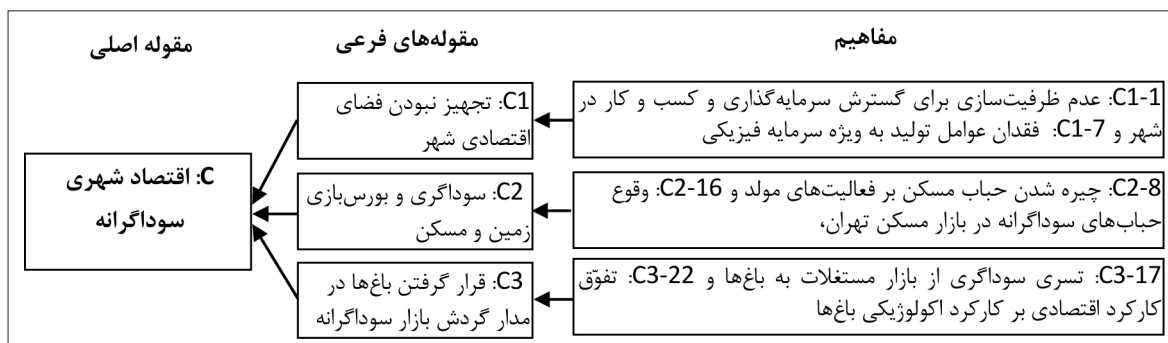
- ۱- ناکارآمدی کمیسیون ماده ۷ به عنوان ناظر بر اجرای قانون: این کمیسیون استقلال ندارد. چرا، چون اعضای کمیسیون از سه نفر تشکیل شده که دو نفر از اعضای آن از خود مدیران شهرداری هستند. اکثریت با شهرداری است. یک نفر هم از شورا. پس این کمیسیون بخواهد هم نمی‌تواند بدون مداخله شهرداری در خصوص تشخیص باغ بودن یا نبودن یک زمین که منفعت شهرداری در آن است که باغ نباشد تصمیم‌گیری کند. امتیازدهی این کمیسیون به شهرداری و تأثیرپذیری جای شک ندارد. عدم استقلال کمیسیون ماده ۷ بزرگترین ضعف آن است (D1-1).
- ۲- فقدان نظارت و کنترل اجتماعی: در حال حاضر جامعه به سمتی پیش می‌رود که تأکید مردم بیشتر بر ساختارهاست. نقش فرد به عنوان عامل در تمام جنبه‌های زندگی کاهش یافته است؛ حتی در نظارت. مردم نظارت بر امور را بر عهده ساختارها می‌اندازند؛ یعنی بردوش دولت، پلیس، نهادها و سایر سازمان‌های مرتبط (D2-7).
- ۳- ضعف نظارت در فرهنگ سازمانی: اگر در سیستم اداری کشور

۲- سوداگری و بورس‌بازی زمین و مسکن: در تهران سود بالا در زمین و مسکن، همه را معتاد خود کرده. تشکیل تعاونی مسکن در نهادها و سازمان‌های مختلف رایج شده. زمین‌ها را می‌خرند، با نفوذ و رابطه‌ای که دارند تغییر کاربری می‌دهند و مجدداً با قیمت بسیار بالا می‌فروشند. خلاصه همه به شکلی گرفتار و معتاد این کسب و کار سودآور شده‌اند (C2-8).

۳- قرار گرفتن باغ‌ها در مدار گردش بازار سوداگرانه زمین و مسکن: وقتی لایه شهری روی لایه روستایی می‌افتد شما نباید انتظار داشته باشید که روستا باقی بماند. چون سنبه شهر پرزورتر است؛ به آن می‌گویند بازار مستغلات، سوداگری، بورس‌بازی زمین. وسوسه برانگیزترین و سودآورترین بازار در ایران. در این بازار، آرام آرام رنگ سبز روی نقشه‌های طرح جامع و تفصیلی رنگ می‌بازد. در این بازار، پول است که رنگ کاربری‌ها را تعیین می‌کند. در این بازار، رنگ باغ خاکستری است. سبز نیست، از رنگ بُتن و سیمان است (C3-17). (نمودار ۴)

۴.۳. شرایط مداخله‌ای تخریب باغ‌ها در شهر تهران

شرایط مداخله‌گر شرایط زمینه‌ای عمومی هستند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند (Danaeifard and Emami, 2007: 84). پنج مقوله اصلی ضعف نظارت و نبود حساسیت بر اجرای قانون، بحران اخلاق زیست محیطی در جامعه، از بین رفتن قبح نقض قوانین



نمودار شماره ۴: اقتصاد شهری سوداگرانه، دومین شرایط زمینه‌ای تخریب باغ‌ها در تهران

به نظارت و بازرسی بها داده شود و نگرش‌ها عوض شود و همه به این باور برسند که نظارت برای حسن انجام کار است و نه مچ‌گیری، در آن صورت اوضاع به سامان‌تر از امروز خواهد شد. این اوضاع در بیشتر ساختارهای اداری قابل مشاهده است. آیا اصلاً فرهنگ پذیرش نظارت در سازمان‌های ما جا افتاده است؟ (D4-14).

۴- ضعف دستگاه‌های نظارتی: شکل نظارت دفاتر فنی استانداری، دفتر بازرسی و نظارت سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و... توانایی جلوگیری و اصلاح جوهره حرکتی شهرداری‌ها که مبتنی بر شهرفروشی است را ندارد. عملاً برنامه‌ریزی و نظارت جدی بر عملکرد شهرداری‌ها انجام نمی‌شود. این موضوع به خصوص در شهرداری تهران که از قدرت سیاسی بالایی برخوردار است، بارزتر است (D4-15) (D4-20).

۵- مشکل نظارت بر عملکرد شهرداری‌ها: برای این که شهرداری پاسخگو داشته باشیم نخست باید قانون شهرداری‌ها به روز شود. با این قانون نمی‌شود. نظارت‌پذیر نبودن شهرداری، امروز ناشی از ضعف قانون است. در گذر زمان نیاز جوامع عوض شده و به تبع آن وظایف شهرداری‌ها گسترده شده. نخست نیاز است تا قانون شهرداری‌ها به روز شود تا بتوان بر عملکرد شهرداری‌ها نظارت کارآمد و مؤثری داشت (D5-25). شورای شهر به دلیل سیاسی بازی و جناح بازی، بر عملکرد شهردار خود سرپوش می‌گذارد (D5-21).

۶- عدم نظارت بر اجرای قانون: اگر به نظارت بر حسن اجرای قانون که وظیفه مشترک مجلس، قوه قضائیه و دولت است بها داده می‌شود، قدرت این سازمان‌ها بر قدرت قانون نمی‌چربید تا شاهد این باشیم که این چنین قانون در جامعه بی‌حرمت شود. اگر این چنین می‌شد که نشده، شهرداری جرأت نداشت که فرافروشی عمل کند و قانون فروشی کند (D6-26). (نمودار ۵)

ب- بحران اخلاق زیست محیطی در جامعه به عنوان دومین مقوله اصلی از شرایط مداخله‌ای شامل مقوله‌های فرعی زیر است:

۱- ناآگاهی زیست محیطی: مردم باید دارای دانش، مهارت و بینش برای مشارکت آگاهانه در مورد مسائل زیست محیطی باشند. ما نیروی مردمی آگاه به مسائل زیست محیطی را در کشور به دلایل مختلف کم داریم. مردم ما خود را طرفدار محیط زیست نمی‌دانند اگر هم بدانند نمی‌دانند که چگونه باید طرفدار محیط زیست باشند. فاقد مهارت‌ها و آموزش‌های لازم در این خصوص هستند. مسئولان ما هم همین‌طور هستند (E1-1) (E1-2).

۲- بحران نگرش انسان نسبت به محیط زیست: تنها پول، سنگ محک ارزش محیط زیست و عیار مردم است. آنهایی که عیارشان بالاست، برای خود محیط زیست ارزش قائل هستند. حفاظت از آن را وظیفه می‌پندارند. برای آنان تخریب طبیعت، یعنی تضييع نعمت‌های الهی. اما آنهایی که عیارشان پایین است، برای پول محیط زیست ارزش قائلند. برای آنان طبیعت ارزش اقتصادی دارد و لاغیر. اگر در طبیعت هم چیزی از دست اینها در امان مانده است، فقط به خاطر این است که راهی برای تبدیل آن به پول پیدا نکرده‌اند. دانش نزد آنان ابزاری است برای چیرگی بر طبیعت (E2-8).

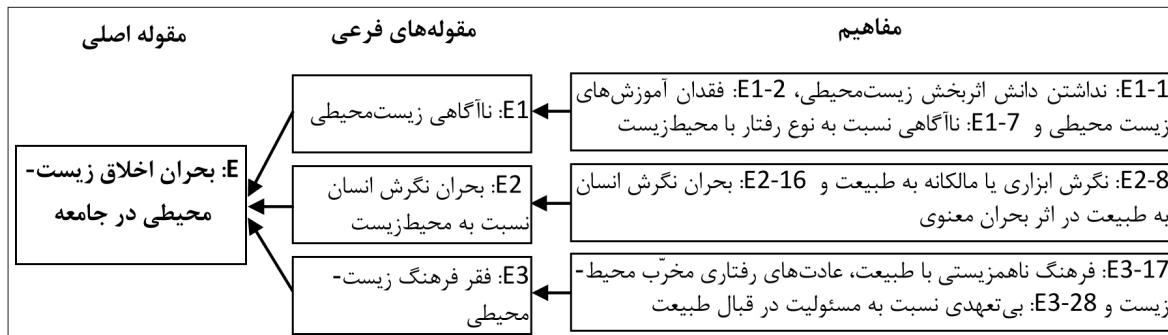
۳- فقر فرهنگ زیست محیطی: فرهنگ کهن استفاده از منابع طبیعی و امکانات زیست محیطی و فرهنگ چند هزار ساله همزیستی با طبیعت را فراموش کرده‌ایم (E3-17). بنیان‌های فرهنگی حفظ محیط زیست در جامعه ما نهادینه نشده است. این را می‌توان در بی‌توجهی‌های عموم مردم به حفظ محیط زیست دید (E3-28). (نمودار ۶)

ج- از بین رفتن قبح نقض قوانین زیست محیطی در جامعه، به عنوان سومین عامل بسترساز عام مؤثر در کنش نقض قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری، متشکل از مقوله‌های فرعی زیر است:

۱- از بین رفتن حرمت قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری و بی‌اعتبار شدن آن در جامعه: تخریب باغ‌ها در تهران (نه تنها تهران، همه شهرهای کشور) از همین مسئولان و شهرداری به مردم رسیده است. شهرداری پارک را می‌فروشد و تغییر کاربری می‌دهد



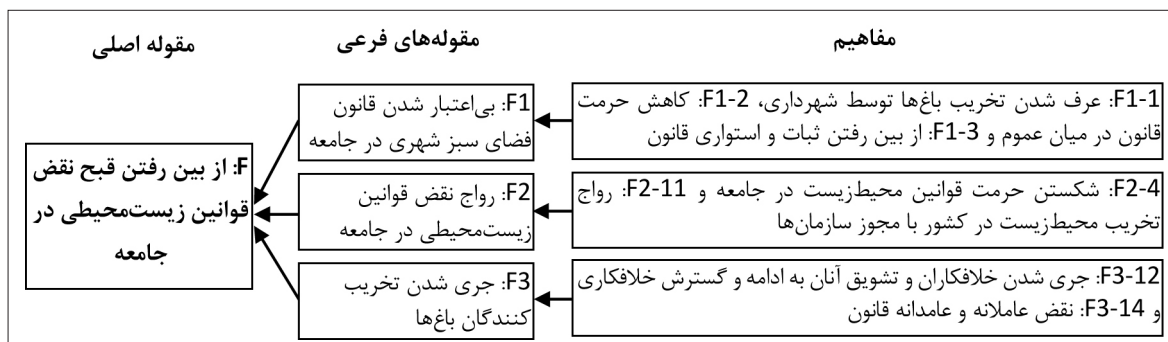
نمودار شماره ۵: ضعف نظارت و نبود حساسیت بر اجرای قانون به عنوان یکی از شرایط مداخله‌ای تخریب باغ‌ها در شهر تهران



نمودار شماره ۶: بحران اخلاق زیست‌محیطی در جامعه به عنوان یکی از شرایط مداخله‌ای تخریب باغ‌ها در شهر تهران

۲- عدم سنخیت و تناسب مجازات با جرم: وقتی به راحتی چند صد درخت را قطع می‌کنند، یعنی نگران مجازاتش نیستند، چون سود آن بیشتر از جریمه‌ای است که باید پرداخت کنند (G2-8).
 ۳- ترمیم نشدن قانون با توجه به شرایط و الزامات زمانی: اساساً این که شما انتظار داشته باشید در شهرهایی مثل تهران، باغ‌ها همچنان به شیوه‌های سنتی حفظ شوند، انتظاری نامعقول است. قانون حفاظت از باغ‌ها در گذر زمان ارزش خود را از دست داده است. اگر ساخت‌وساز در باغ‌ها به کلی ممنوع شود، باز هم باغ‌ها از بین خواهند رفت. باغداری در شهر تهران به شیوه سنتی غیرممکن است (G3-21).
 ۴- کاغذی بودن قانون: از وقتی که این قانون تصویب شده در بایگانی قرار داشته (G4-23)، عزم جدی برای اجرای آن وجود نداشته. مهم نبود، حتی دولت به موضوع تخریب باغ‌ها توجه جدی نداشت. نهادهای نظارتی هم که هیچ، (G4-22) (G4-31).
 ۵- انتخاب ذی‌نفع در عدم اجرای قانون به عنوان مجری: اگر ما تصمیم‌گیری را به دست افراد ذی‌نفع بسپاریم، قطعاً دچار تعارض می‌شویم. باید تصمیم‌گیری را از صاحبان منافع گرفت. در باغ‌ها هم باید این طور بشه. باغ خشک بشود، ساخته بشود و حفظ نشود به نفع شهرداری است (G5-32).
 ۶- مجازات‌گرا و تحمیلی بودن قانون: قانون برای ایفای حقوق مردم است نه این که حقوق آنها را پایمال کند. ما با چنین قانون‌هایی، باغ‌رانه می‌توانیم حفظ کنیم و نه گسترش دهیم. این قانون تحمیلی است (G6-37). آقا درخت قطع کنی، A میلیون جریمه‌ات می‌کنند. او دارد خودش را از یک معضل رها می‌کند. شما معضل را تبدیل کن به یک امتیاز، نه تنها قطع نمی‌کند، بلکه افزایش هم می‌دهد، گسترش هم می‌دهد (G6-38).

و خیلی چیزهای دیگر. اگر ز باغ رعیت ملک خورد سببی برآوردن غلامان او درخت از بیخ. این بیت زیبا از سعدی، شرایط کنونی تخریب باغ‌ها در شهر تهران را به خوبی بازگو می‌کند (F1-1).
 ۲- رواج نقض قوانین زیست‌محیطی در فرهنگ عمومی جامعه: پرده حیا در تخریب طبیعت افتاده است و همه نسبت به اجرای قوانین محیط‌زیست بی‌تعهد شده‌اند (F2-4). بیشتر این فعالیت‌هایی که منجر به تخریب طبیعت می‌شوند، مجوز دارند. در کشور این گونه تخلف‌ها متداول شده و در حال نابودی محیط‌زیست ایران است (F2-11).
 ۳- جری شدن تخریب‌کنندگان باغ‌ها: کسانی که باغ‌ها را از بین می‌برند شناسایی نمی‌شوند و برخورد جدی با آنان نمی‌شود. جرأت پیدا می‌کنند. به اصطلاح جری و بی‌پروا می‌شوند. همین باعث شده که تخریب باغ‌ها در تهران به یک جریان عادی و همه روزه تبدیل شود. این بی‌پروایی باعث شده که عده‌ای به صورت سازماندهی شده (همان که برخی‌ها به آنها می‌گویند مافیای باغ) با نفوذ و قدرتی که دارند و پیچ و خم‌های قانونی را می‌شناسند، عاملان و عامدان دست به آتش زدن درختان باغ و تخریب آن برای ساخت‌وساز کنند (F3-12) (F3-14). (نمودار ۷)
 د- نابسامانی و بی‌اعتباری قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری به عنوان چهارمین مقوله اصلی از شرایط مداخله‌ای شامل مقوله‌های فرعی زیر است:
 ۱- تعارض قوانین: مشکل، تعدد قوانین است. بسیاری روزنه‌ای را پیدا کرده بودند، از دادگاه رأی می‌گرفتند و باطل می‌کردند. یکی به قانون جنگل، یکی به قانون زمین شهری و دیگری به قانون محیط‌زیست رأی می‌دهد. کلی قانون داریم و اینها با هم در تعارض‌اند. ملغمه‌ای از قوانین داریم و کسی هم نیست که اینها را جمع کند (G1-2).



نمودار شماره ۷: از بین رفتن قبح نقض قوانین زیست‌محیطی در جامعه به عنوان یکی از شرایط مداخله‌ای تخریب باغ‌ها در شهر تهران

۷- باز بودن منفذهای فرار از قانون: کمیسیون‌های ماده پنج و ماده ۱۰۰، بیشترین نقش را در بی‌اثر کردن طرح‌های شهرسازی در کشور دارند. این کمیسیون‌ها ابزاری برای دور زدن ضوابط و مقررات شده‌اند (G7-37). با نبود شناسنامه باغ‌ها و محرز نشدن سابقه باغ برای دادگاه، راه تخلف باز خواهد بود. پاشنه آشیل این قانون، شناسنامه باغ‌هاست (G7-51). (نمودار ۸)

۵- عدم قاطعیت نهادهای قضایی - تنبیهی به عنوان پنجمین عامل بسترساز عام مؤثر در کنش نقض قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری، متشکل از مقوله‌های فرعی زیر است:

۱- محرز نشدن سابقه باغ برای قوه قضائیه با نبود شناسنامه باغ‌ها؛ یکی از دلایلی که دادگاه نمی‌تواند حکم به محکومیت کسانی بدهد که باغ را به عمد تخریب کرده‌اند، این است که مدرک برای استناد به سابقه باغ وجود ندارد. شناسنامه باغ‌ها، به عنوان سند اجرایی این قانون فضای سبز و باغ‌ها باید توسط شهرداری تهیه شود. بدون آن، تشخیص سابقه باغ و تخریب باغ برای دادگاه سخت است (H1-1) (H1-4).

۲- عدم وجود دادگاه‌ها و دادسراهای تخصصی زیست‌محیطی؛ ایجاد دادگاه‌ها و دادسراهای تخصصی زیست‌محیطی موجب می‌گردد که دقت و کیفیت کار قضاوت بالاتر و یا بیشتر شود و قضاوت با توجه به گستردگی دانش محیط زیست و حقوق قضایی، نسبت به حل و فصل کلیه دعاوی مربوط به مشکلات زیست‌محیطی تصمیم‌گیری منطقی و اقدام قانونی معمول دارند. در دادگاه‌ها، درصد صدور قرار منع تعقیب، میزان بسیار بالایی نسبت به قرار مجرمیت به دلیل عدم آگاهی به حفظ محیط زیست، فقدان دلایل اثباتی و یا عدم احراز سوءنیت دارد (H2-14).

۳- تساهل و تسامح؛ اغماض، چشم‌پوشی و لطافت با هجو قانون

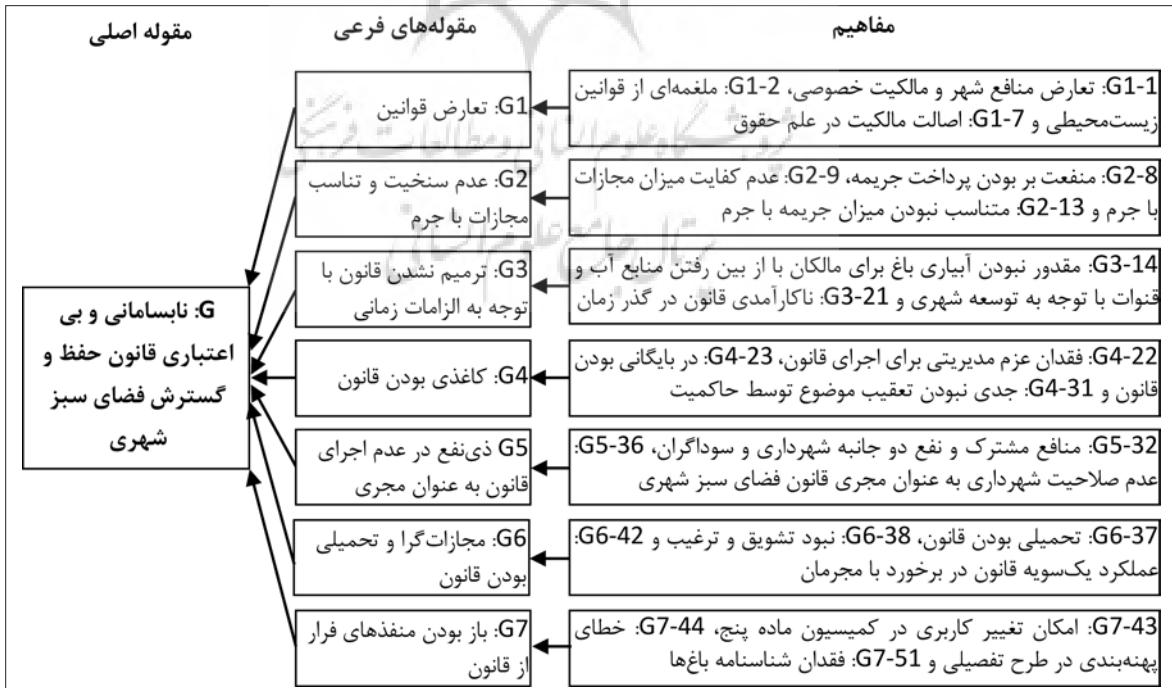
از طرف نهادهای دانه درشت، باعث شکستن قبح قانون در جامعه خواهد شد (H3-19).

۴- عدم برخورد قاطع قضایی با متخلفان: تا به حال در مجموع بیش از چند هزار پرونده برای مراجع قضایی فرستاده شده و متأسفانه تاکنون خیلی از آنها بررسی نشده است (H4-30). (نمودار ۹)

۴,۴. کنش‌ها و راهبردها برای گریز از قانون

راهبردها، کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی هستند که از پدیده محوری منتج می‌شوند (Danaeifard and Emami, 2007: 84). اهمال در اجرای قانون و همچنین توسل به حیل، قدرت و نفوذ، کنش‌ها یا راهبردهایی هستند که برای گریز از قانون حفظ و گسترش فضای سبز اتخاذ می‌شوند. کنش‌هایی که در متون نظری علم حقوق، معرّف پدیده قانون‌گریزی هستند. مقوله نقض قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری با اهمال، توسل به حیل، قدرت و نفوذ، انتزاع یافته مقوله‌های فرعی زیر است:

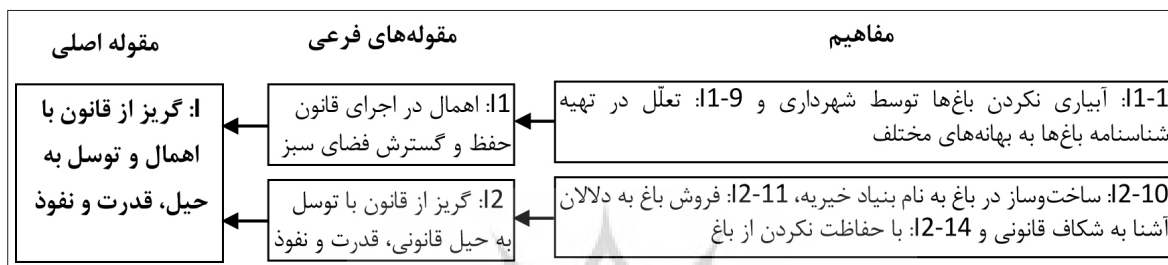
۱- اهمال در اجرای قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری: طبق همین قانون فضای سبز شهری، شهرداری‌ها ملزم به تهیه شناسنامه باغ‌ها به عنوان سند اجرایی این قانون هستند تا از تخریب باغ‌ها جلوگیری شود، اما متأسفانه تا به حال شهرداری از این وظیفه به بهانه‌های مختلف و یا وعده و وعید شانه خالی کرده است (H1-9).
 ۲- گریز از قانون با توسل به حیل قانون، قدرت و نفوذ: باغ‌ها را به نصف قیمت یا کمتر می‌خرند. زور مردم عادی به کمیسیون باغات یا شورای شهر و شهرداری نمی‌رسد. به دردرسش نمی‌آزد. بنگاه‌ها، X و Y، اینها بیج و خم‌های قانونی را بلد هستند. روابط دارند. این باغ‌ها را می‌خرند و تغییر کاربری می‌دهند (H2-11). (نمودار ۱۰)



نمودار شماره ۸: نابسامانی و بی اعتباری قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری به عنوان یکی از شرایط مداخله‌ای تخریب باغ‌ها در شهر تهران



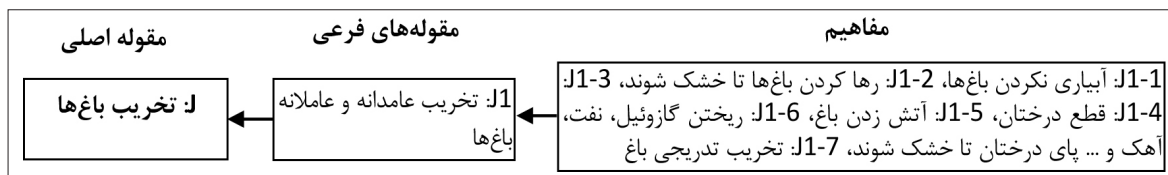
نمودار شماره ۹: عدم قاطعیت نهادهای قضایی - تنبیهی به عنوان یکی از شرایط مداخله‌ای تخریب باغ‌ها در شهر تهران



نمودار شماره ۱۰: اهمال و توسل به حیل، قدرت و نفوذ، کنش‌هایی برای گریز از قانون

با توجه به مقوله‌های عمده و توضیحات ارائه شده فوق می‌توان نتیجه گرفت که مقوله قانون‌گریزی به مثابه مقوله هسته، مفهومی است که می‌تواند کلیه مقوله‌ها و مباحث فوق را تحت پوشش قرار داده و جنبه تحلیلی داشته باشد. شناخت عوامل مؤثر بر تخریب باغ‌ها در شهر تهران در قالب یک مدل پارادایمی شامل شرایط علی، پدیده، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای کنش/تعامل‌ها و پیامد در نمودار شماره ۱۲ ارائه شده است. اعیان‌نشینی و تجمل‌گرایی (باغ به مثابه کالا و نگرش ابزاری به طبیعت) شرایط علی هستند که نگرش ابزاری و سودجویانه فرد به باغ‌ها را به دنبال دارد. اما این که فرد تا چه اندازه تحت تأثیر عامل نگرش ابزاری و سودجویانه به باغ‌ها قرار گرفته و تصمیم به قانون‌گریزی می‌گیرد، بستگی به شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و همچنین راهبردها/تعامل‌هایی دارد که فرد اتخاذ می‌کند. اقتصاد شهری سوداگرانه و سوء مدیریت و برتری دادن اداره شهر بر حجیت قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری به عنوان عوامل زمینه‌ای و ضعف نظارت و نبود حساسیت بر اجرای قانون، بحران اخلاق زیست‌محیطی در جامعه، از بین رفتن قبح نقض قوانین زیست‌محیطی در جامعه، نابسامانی و بی‌اعتباری قانون حفظ

۴،۵. پیامد نقض قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری پیامدها خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها هستند (Danaeifard and Emami, 2007: 84). تخریب باغ‌ها، پیامد کنش نقض قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری با اهمال در اجرای قانون و همچنین توسل به حیل، قدرت و نفوذ است. تخریب عاملانه و عامدانه باغ‌ها برای ساخت‌وساز در آنها، شامل مفاهیم ریختن نفت یا گازوئیل پای درختان، قطع کردن درختان، آتش زدن باغ، آهک ریختن دور درختان، تخریب تدریجی باغ‌ها، تخریب تعمدانه باغ و... است (نمودار ۱۱). تهران زمانی به دلیل وجود باغات و فضاهای سبز بسیار زیادش، چنارستان نامیده می‌شد، اما امروز آن همه باغ، چیز زیادی باقی نمانده و درختان قطع شده و به جای آنها، ساختمان‌ها سر به فلک کشیده‌اند (I1-4). باغ‌های کن هم، توسط عده‌ای سودجو و فرصت‌طلب در حال تخریب است. هر روز دارند کوچکتر و خردتر می‌شوند. به روش‌های مختلف درخت‌ها را خشک می‌کنند؛ گازوئیل ریختن و آب ندادن. تدریجی این کارها را انجام می‌دهند. به زودی اینها هم به سرنوشت بقیه باغ‌های تهران دچار می‌شوند (I1-6) (I1-7).



نمودار شماره ۱۱: تخریب باغ‌ها، پیامد نقض قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری

و گسترش فضای سبز شهری و عدم قاطعیت نهادهای قضایی و تنبیهی به عنوان عوامل مداخله‌ای، بستر لازم برای گریز از قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری با اهمال و توسل به حیل، قدرت و نفوذ را فراهم می‌سازند که در نهایت به تخریب باغ‌ها در شهر تهران منجر می‌شود (نمودار ۱۲).

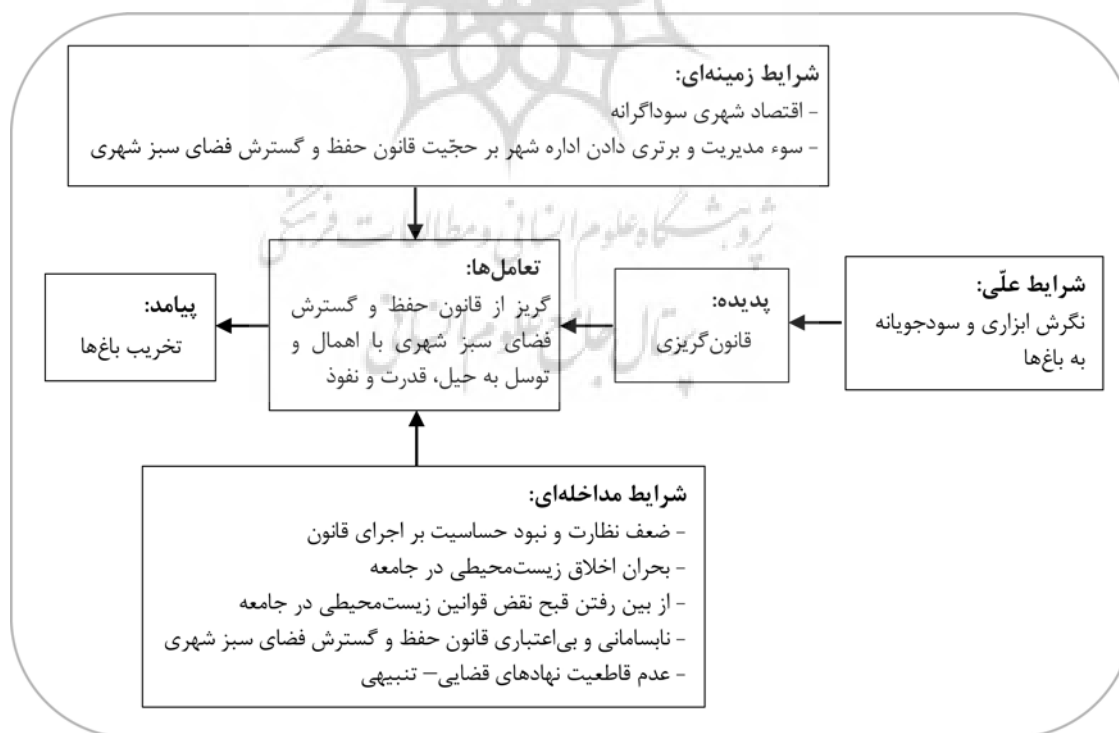
۵. نتیجه‌گیری

به طور کلی با انتخاب مقوله قانون‌گریزی به عنوان مقوله محوری^۱ و قلب مدل نهایی زمینه‌ای علل تخریب باغ‌ها در شهر تهران (نمودار شماره ۱۲)، چنین استنتاج می‌شود که از بین رفتن قبح نقض قوانین زیست‌محیطی در جامعه و بی‌اعتباری قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری، به عنوان هنجارهای اجتماعی متداول در جامعه، فرد را متقاعد می‌سازد که چه درست یا غلط، جامعه نقض قوانین زیست‌محیطی و تخریب محیط زیست برای کسب سود را تأیید کند و بحران درونی انسان، قصد رفتاری او از تخریب باغ را تسهیل سازد. به عبارت دیگر، بحران اخلاق زیست‌محیطی باعث می‌شود که فرد وجدان بیدار و نفس ملامتگر در هنگام قصد به تخریب باغ‌ها نداشته و تعهد اخلاقی برای حفظ باغ‌ها را در ذهن خود تجربه نکند.

بدین ترتیب، مطابق نظر Kollmuss و Agyeman که عوامل تأثیرگذار بر رفتار دوستدارانه با محیط زیست را شامل دو دسته عوامل درونی و عوامل بیرونی می‌دانند (2002: 239)، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل درونی کنترل بر رفتار (دانش، بینش و مهارت) باعث می‌شود که فرد تحت تأثیر عوامل بیرونی یا محیطی (از بین

رفتن قبح نقض قوانین زیست‌محیطی در جامعه، نابسامانی و بی‌اعتباری قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری) کنترل کاملی بر رفتار نداشته و با گریز از قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری و تخریب باغ، قصد کسب سود و رفاه داشته باشد.

اما شدت قصد و اراده فرد برای تخریب باغ به منظور کسب سود با حضور قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری، تابع پیامدها یا هزینه و منفعت‌هایی است که فرد از تخریب باغ انتظار دارد. با توجه به عدم قاطعیت نهادهای قضایی و تنبیهی در برخورد با پدیده تخریب باغ‌ها، فرد جرأت پیدا کرده با توسل به حیل قانونی، قدرت و نفوذ با گریز از قانون حفظ و گسترش فضای سبز به تخریب باغ اقدام نماید تا با استفاده از فرصت فراهم شده با سوء مدیریت و برتری دادن اداره شهر بر حجیت قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری توسط مدیریت شهری - به علت ضعف نظارت و نبود حساسیت بر اجرای قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری در کشور - و همچنین گردش مدار اقتصاد شهر بر محور سوداگری بهره‌برداری نماید. علاوه بر این، با توجه به نظر محقق داماد که معتقد است قوانین موضوعه بشری نمی‌تواند امیال خودخواهانه آدمی را که در مسیر پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است به طور کامل مهار نماید (Mohaghegh Damad, 1994: 80)؛ در صورت قاطعیت نهادهای قضایی و تنبیهی در برخورد با کنش گریز از قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری، به دلیل منفعت‌بر بودن پرداخت جریمه بر اثر نابسامانی در قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهری، منفعتی که از تخریب باغ‌ها به دست خواهد آمد بیش از هزینه آن می‌باشد، بنابراین فرد نگرش مثبت به کسب



نمودار شماره ۱۲: مدل نهایی زمینه‌ای علل تخریب باغ‌ها در شهر تهران

۱ مقوله محوری (Core Category or Phenomenon): یک صورت ذهنی از پدیده‌ای که اساس فرآیند است (Danaeifard and Emami, 2007: 84).

References:

- Allameh Ja'fari, M.T. (1990). Survive in the 21st century, Critical Review of the Vancouver Declaration, Canada. Available at: www.ostad-jafari.com. [In Persian].
- ASEF (Think tank Industry and Technology) (2006). Tehran 1404, cultural Global city, knowledge-based and standards in the Islamic world. Tehran: Islamic council of Tehran City. [In Persian].
- Baft Shahr Consulting Engineers (2010). Detailed plans for Can Gardens, Summary Report of the Commission of five matter. Tehran: Islamic council of Tehran City. [In Persian].
- Banifatemeh, H., rostae, SH., alizadeh, M.B. & hosinnejad, F. (2014). Study of environmental attitudes of citizens in Tabriz based on a new environmental paradigm, Environmental Research, Vol.4, Iss.7, Pp. 173-186. [In Persian].
- Boiyo, V., Koech, M. & Manguriu, D. (2015). Environmental Attitudes and Ecological Behaviour among Students: A Case Study of Kibera and Kasarani Division in Nairobi, Kenya. International Journal of Interdisciplinary Research and Innovations, Vol. 3, P. 50-59.
- Clark, C.F., Kotchen, M. J. & Moore, M.R. (2003). Internal and external influences on pro-environmental behavior: Participation in a green

سود و رفاه - قصد رفتاری از تخریب باغ‌ها - خواهد داشت. این امر را در پژوهشی، Doran و Larsen نیز مورد تأکید قرار می‌دهند. به نظر آنان باورهای هنجاری، تأثیر به مراتب بیشتری بر قصد برای رفتار زیست‌محیطی در نسبت با هنجارهای اجتماعی تجویزی / دستوری^۱ دارند (2015:7). همچنین علامه جعفری نیز اعتقاد دارد جبر قوانین قراردادی و وحشت از کیفرها، موجب تعدیل واقعی «خودخواهی» نیست (Allameh Ja'fari, 1990:26).

با توجه به مطالب یاد شده، مطابق تصویر شماره ۱، به طور کلی به نظر می‌رسد، «چگونگی رفتار با محیط زیست» متأثر از دو عامل اصلی درونی و بیرونی است. بینش، دانش و مهارت / تجربه به عنوان عوامل درونی مؤثر بر چگونگی رفتار با محیط زیست، تعادل و توازن قوای نفسانی انسان برای پذیرش یا عدم پذیرش چگونگی رفتار با محیط زیست را در برهمکنش با عوامل بیرونی - هنجارهای اجتماعی، فرصت بروز رفتار و پیامد / نتیجه رفتار - تعیین می‌کنند. بنابراین اخلاق و حقوق هر دو الزام‌آور و مکمل یکدیگر هستند، اما منشأ و پشتوانه اجرایی آنان متفاوت است. قواعد اخلاقی رفتار با محیط زیست، بر تعادل و توازن قوای نفسانی انسان تکیه دارد، یعنی اعتبار این قواعد از درون - نفس انسان - تضمین می‌شود، نه از بیرون. در حالی که قواعد حقوقی از بیرون و از طرف دولت تضمین می‌شود. بنابراین نمی‌توان رفتار اخلاقی با محیط زیست را مترادف با اطاعت از قوانین و هنجارهایی که ناظر بر نحوه توزیع و تملک منابع طبیعی در جامعه هستند، تعریف کرد. رفتار اخلاقی با محیط زیست، امری اقلی است که مقید به زمان و مکان نبوده و بر اثر کرامت نفس حاصل می‌شود، اما تحصیل آن با قانون و قواعد حقوقی به دلیل محدودیت عرصه آن نسبت به اخلاق، ممکن و مطلوب نخواهد بود.

۱۴

شماره بیست و سوم

تابستان ۱۳۹۶

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات

پژوهشی

مطالعه کیفی عوامل مؤثر بر تخریب باغ‌ها در شهر تهران با رویکرد میسجی بر نظریه داده بنیاد



تصویر شماره ۱: عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر چگونگی رفتار با محیط زیست

19.

- Kalantari, Kh. & Asadi, A. (2010). Designing a Structural Model for Explaining Environmental Attitude and Behavior of Urban Residents (Case of Tehran). *Int. J. Environ. Res.*, Vol.4, No.2, P. 309-320.
- Kollmuss, A. & Agyeman, J. (2002) Mind the Gap: why do people act environmentally and what are the barriers to pro-environmental behavior. *Environmental Education Research*, Vol. 8, No. 3, P. 239-260.
- López-Mosquera, N., Lera-López, F. & Sánchez, M. (2015). Key factors to explain recycling, car use and environmentally responsible purchase behaviors: A comparative perspective. *Resources, Conservation and Recycling*, Vol. 99, P. 29–39.
- Mahboobi, M.R. & Ramezani, N. (2011). Measurement of rural environmental ethics in Golestan Province of Iran., *Ethics in Science & Technology*, Vol.6, No.3, Pp. 58-67. [In Persian].
- Matthews, J. (2004). A Generic Environmental Awareness Course Framework for use by Business. Master of Arts in Environmental Management, Rand Afrikaans University, Faculty of Arts.
- Mohaghegh Damad, M. (1994). Nature and the environment from the perspective of Islam, *Name-ye- Farhang*, No.13, Pp. 78-89. [In Persian].
- Pietikäinen, J. (2007). A Slow Start at the Beginning of the Recycling Chain: How to Make Consumers Recycle Their Mobile Phones. Master's Thesis of the Environmental Sciences, University of Helsinki, Faculty of Biosciences, Department of Biological and Environmental Sciences. Available at: <https://helda.helsinki.fi/bitstream/handle/10138/.../aslowsta.pdf?...1>
- Rabbani Khorasghani, A. & Abbaszadeh, M. (2010). Grounded Theory approach, *Journal of Applied Sociology*. Vol.20, No.4, Pp.169-183. [In Persian].
- Salehi Omran, E. & Agha Mohammadi, A. (2008). Study of Knowledge, attitudes and environmental skills of primary school teachers in Mazandaran province, *Quarterly Journal of Education*, Vol.3, No.95, Pp. 91-117. [In Persian].
- Salehi, S. & Karimzadeh, S. (2014). Study of effect of environmental values on environmental behavior (The study of urban areas in Urmia), *Journal of social problems of Iran*, Vol.5, No.2, Pp. electricity program. *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 23, P. 237–246.
- Danaeifard, H. & Emami, S.M. (2007). Strategies of Qualitative Research: A Reflection on Grounded Theory, *Sterategic Management Thought*, Vol. 1, Iss. 2, Pp. 69-97. [In Persian].
- De Haan, G. & Kuckartz, U. (1996). *Umweltbewusstsein, Denken und Handeln in Umweltkrisen*. Westdeutscher Verlag, Opladen, Germany. [Environmental awareness. Thought and Action in environmental crises]. Available at: www.springer.com/us/book/9783531128085
- Doran, R. & Larsen, S. (2015). The Relative Importance of Social and Personal Norms in Explaining Intentions to Choose Eco-Friendly Travel Options. *International Journal of Tourism Research*, *Int. J. Tourism Res.* Published online in Wiley Online Library (wileyonlinelibrary.com) DOI: 10.1002/jtr.2042.
- Erdogan, N. (2009). Testing the new ecological paradigm scale: Turkish case. *African Journal of Agricultural Research*, Vol. 4, No.10, P.1023-1031.
- Esmaeli, S. & Mirdamadi, S.M. (2011). Examining the impact of experience and interest of participants about the role of plant clinic on their knowledge, skill and attitude about clean environment, *journal of agricultural extension and education research*, vol.3, No.4, Pp.15-30. [In Persian].
- Ferdowsi, S, Mortazavi, Sh., & Rezvani, N. (2007). The relationship between environmental knowledge and behaviors of environmental protection. *Journal of Human Sciences*, No. 53, pp. 253-266. [In Persian].
- Henning, O. & Karlsson, S. (2011). Environmental attitudes and how they affect purchase intentions of environmentally friendly automobiles. Master Thesis in business administration, Jönköping University. Available at: www.diva-portal.org/smash/get/diva2:441677/FULLTEXT01.pdf
- Hung Lee, T. & Jan, F-H. (2015). The Effects of Recreation Experience, Environmental Attitude, and Biospheric Value on the Environmentally Responsible Behavior of Nature-Based Tourists. *Environmental Management*, DOI 10.1007/s00267-015-0488-y.
- Kaiser, F.G., Wolfing, S. & Fuhrer, U. (1999). Environmental Attitude and Ecological Behaviour. *Journal of Environmental Psychology*, Vol.19, P.1-

61-76. [In Persian].

- Salehi, S., Ghadami, M. & Hemmati Gouyomi, Z. (2011). Study of environmental behaviors among coastal tourists (A Case study of coastal tourists in Bushehr City during New Year Holiday), Journal of tourism planning and development, Vol.1, No.1, Pp.35-58. [In Persian].
- Schmitt, T. (2003). Emotional bonds with nature as determinant of environmental awareness, the missing link for saving our environment. Master's Thesis of the Environmental Sciences, University of Lund, Centre of Theology and Religious Studies. Available at: www.lumes.lu.se/sites/lumes.lu.se/files/schmitt_tobias.pdf
- Shahnooshi, M. & Abdollahi, A.S. (2007). Analysis of the environmental culture of the people in Isfahan and some of the factors affecting it, Quarterly Journal of the Faculty of letters and Humanities (University of Isfahan), Vol.2, No.23, Pp. 15-34. [In Persian].
- Shahvali, M. & Abedi Sarvestani, A. (2012). Human-nature interaction: a normative analysis. Geographical Research, Vol. 27, Iss. 107, Pp 1-33. [In Persian].
- Veisi, H. & Zarandian, A. (2012). Evaluation of citizen awareness and knowledge about environment (Case study of tradespeople and managers of District 12 of Tehran Municipality), Environmental Research, Vol.1, Iss. 1, Pp. 35-42. [In Persian].

